



بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی شبه‌جمله‌ها در زبان فارسی محمود مهرآوران^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

چکیده

مقوله‌های دستوری زبان فارسی از نظر صرف و نحو به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که شبه‌جمله چیست، چه انواعی دارد و در دستورهای زبان چگونه آن را بیان کرده‌اند. شبه‌جمله کلمه یا گروهی از کلمات فارسی و غیر فارسی است که فعل و ساختار جمله فارسی را ندارد اما معنی کامل جمله را دارد. جمله در زبان فارسی یا فعل دارد یا فعل ندارد؛ شبه‌جمله‌ها در شاخه‌های جمله‌های بی‌فعل قرار می‌گیرند. در دستورهای زبان، برخی این موضوع را با نام صوت و برخی دیگر با عنوان شبه‌جمله مطرح کرده‌اند. این پژوهش به بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی شبه‌جمله‌ها، در همه‌ی صورت‌های آن پرداخته و ویژگی‌های گوناگون، برخی معیارها برای شناخت شبه‌جمله، تفاوت صوت با اسم صوت و شبه‌جمله با قید را بیان کرده و دسته‌بندی معنایی آن‌ها را ارائه کرده است. صوت‌ها یکی از انواع شبه‌جمله هستند اما شبه‌جمله تنها منحصر به صوت نیست. برخی از اسم‌ها، صفت‌ها، ضمیرها و قیدها با تغییر آهنگ و داشتن تکیه ویژه شبه‌جمله واقع می‌شوند. همچنین بسیاری از ضرب‌المثل‌های بی‌فعل، منادا، برخی از واژگان غیر فارسی (ترکی، انگلیسی و فرانسه) و بسیاری از عبارات، افعال و جمله‌های پرکاربرد عربی در فارسی نیز شبه‌جمله هستند. شبه‌جمله‌ها از نظر کارکرد و معنا در گروه‌ها و طبقات مختلف تقسیم می‌شوند و بسیاری از عواطف و احساسات انسان را نشان می‌دهند؛ احساسات و عواطفی مانند: آرزو و امید، احترام و اطاعت، بیزاری و تنفر، خشم، مهربانی و دلسوزی، سرزنش و توهین، پرسش، تأکید، تأسف، تعجب، تشویق و درد. در مجموع شبه‌جمله‌ها احساسات و عواطف منفی را بیشتر منعکس می‌کنند. موضوع شبه‌جمله هم به حوزه صرف فارسی مربوط است و هم به حوزه نحو.

واژه‌های کلیدی: دستور زبان، جمله، جمله‌های بی‌فعل، شبه‌جمله، صوت، تکیه.

¹ Email: mehvaran72m@gmail.com





Investigation, analysis and classification of Pseudo-sentences in Persian language

Mahmood Mehravaran¹

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature,
University of Qom, Qom, Iran

Received: 14/11/2020 | Accepted: 10/01/2021

Abstract

The grammatical categories of Persian language are divided into various types in terms of grammar and syntax. This research seeks to answer the questions of what a Pseudo-sentences is, what types it has, and how it is expressed in grammar books. A Pseudo-sentence is a word or a group of Persian and non-Persian words that lack verb and structure of a Persian sentence but has the full meaning of a sentence. The sentence in Persian either has or does not have adverb. Pseudo-sentences fall into the category of verb-less sentences. In grammar books, some have referred to this as sound and others as quasi-sentence. This study examines, analyzes, and classifies Pseudo-sentences in all its forms. Furthermore, it designates various features, and provides some criteria to differentiate idioms, sounds, adverbs. Sound is a type of quasi-sentence, but quasi-sentence is not limited to sound. Some nouns, adjectives, pronouns and adverbs are formed by changing the melody and putting a special emphasis on the sentence. Many verbless proverbs, *monada*, some non-Persian words (Turkish, English and French) and many commonly used Arabic phrases, verbs and sentences in Persian are considered Pseudo-sentences. Pseudo-sentences are divided into different groups and classes in terms of function and meaning, and express many human emotions and feelings such as: desire and hope, respect and obedience, disgust and hatred, anger, kindness and compassion, blame and insult, question, emphasis, regret, surprise, encouragement and pain. In general, Pseudo-sentences reflect more negative emotions and feelings. The subject of the quasi-sentence is related to both the pure linguistics and syntax.

Keywords: Grammar, Sentence, Inactive Sentences, Sentence, Sound, Stress.

¹. Email: mehravaran72m@gmail.com



۱. مقدمه

دستور زبان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است و زبان‌شناسی در پی شناخت علمی زبان با تکیه بر مجموعه واقعیات زبان است. بنابراین، طبقه‌بندی، تعریف یا توصیف دقیق مفاهیم و اصطلاحات و مشخص کردن پیوند بین آنها یک ضرورت است. یکی از مباحث دستور زبان، تقسیم واحدهای زبان در مقوله صرف یا به زبان ساده‌تر انواع کلمه است. بیشتر دستورهای دوره معاصر انواع کلمه را در زبان فارسی هفت نوع و شامل فعل، اسم، ضمیر، صفت، قید، حروف و شبه‌جمله / صوت می‌دانند. برخی نیز که با دیدگاه‌های زبان‌شناسی به دستور پرداخته‌اند، انواع را در شش قسم تعیین کرده‌اند. تفاوت تعداد در نوع کلمات، بودن یا نبودن صوت یا شبه‌جمله است که آیا در بحث صرف و طبقه‌بندی واژه‌ها به آن پرداخته شود یا در مبحث نحو. واقعیت آن است که دستور زبان فارسی را نمی‌توان یکسره در حوزه ساختار و بررسی نشانه‌های صوری تدوین و طبقه‌بندی کرد؛ بویژه در حوزه شبه‌جمله‌ها و اصوات که در درون ساختارهای دیگر به شکل کامل قرار نمی‌گیرند و بیش از هر چیز معنا و استفاده در متن و بافت کلام و محیط و دیگر عوامل بیرونی، کاربرد آن را مشخص می‌سازد. در این مقاله به تفصیل مباحث گوناگون این موضوع را بررسی و تحلیل می‌کنیم.

۱-۱. اهمیت و اهداف موضوع

هر زبان برای انتقال پیام، ابزارها و امکانات گوناگونی دارد. شبه‌جمله‌ها در زبان فارسی یکی از مهمترین ابزارهای زبانی برای انتقال پیام بویژه پیام‌ها و جمله‌های عاطفی و التزامی هستند که لازم است آن‌ها را از سایر واحدهای زبانی بازشناسیم. هدف این نوشتار، معرفی بهتر و بیشتر این واحد زبانی از طریق بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی و ارائه ویژگی‌ها، معیارها و نقش‌های دستوری و انواع و نیز کارکرد و معانی مختلف شبه‌جمله در زبان فارسی اعم از گفتار و نوشتار است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

شبه‌جمله به عنوان یکی از اقسام کلمه در کتب دستور زبان مطرح است. در بیشتر کتاب‌های دستور زبان که تعریفی از آن به دست داده می‌شود، به دسته‌بندی از دیدگاه معنا بسنده شده و کمتر به دیگر دسته‌بندی‌ها توجه شده است. همچنین در این کتب از این مقوله دستور، گاه به نام شبه‌جمله و گاه صوت یاد شده است. در مجموع این موضوع کمتر مورد اعتنا واقع شده اما بجز نوشته‌های دستوریان، چند پژوهش دیگر در این ارتباط دیده می‌شود:

میرزائی (۱۳۹۴) در پایان نامه خود با عنوان «تحلیل ساختی و کاربردی شبه‌جمله در مثنوی معنوی» به بررسی انواع شبه‌جمله‌ها در مثنوی می‌پردازد. وی با بررسی بسامد گونه‌های شبه‌جمله در دفتر نخست مثنوی چشم‌اندازی از ظرفیت و توانایی زبان فارسی در حوزه شبه‌جمله و اصوات برای گسترش امکانات بلاغی به دست می‌دهد.

در پایان نامه فرج زاده (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی شبه‌جمله‌ها در کتب دستور زبان»، نیز نظرات درباره اقسام شبه‌جمله بیان شده و انواع شبه‌جمله به لحاظ ساختمان و معنا بررسی شده است. شبه‌جمله‌ها از نظر مختص و مشترک با اسم، قید و صفت تقسیم بندی شده‌اند و نقش پذیری شبه‌جمله‌ها نیز مورد کاوش قرار گرفته است.

در مجلات علمی مقاله‌ای مستقل درباره شبه‌جمله یافت نمی‌شود اما مهرآوران (۱۳۹۴) در مقاله «الگوی شناور در ساخت جمله‌های مرکب با توجه به کاربرد زمان افعال» که ساخت جمله مرکب را با ۱۹۳ الگوی ساختاری بررسی و توصیف کرده، به کاربرد شبه‌جمله در این الگوها نیز پرداخته و ۶۵ الگوی آن را با ترکیب شبه‌جمله نشان داده است. نوشته حاضر، کوشیده با گردآوری پیکره‌ای از شبه‌جمله‌ها و اصوات و گردآوری نمونه‌های متنوع و گوناگون به موضوعات مختلف این مقوله زبانی بپردازد. اساس کار در جمع‌آوری شبه‌جمله‌های این مقاله، استخراج آنها از متون گوناگون، گفتار و شنیدار و بویژه فرهنگ‌های لغت است.

۲. شبه‌جمله در دستورهای زبان

نویسندگان که انواع کلمه را هفت قسم شمرده‌اند، یکی از انواع آن را صوت یا

شبه‌جمله دانسته‌اند. شبه‌جمله کلمه یا گروهی از کلمات و عبارات هستند که شکل و ساختار جمله ندارند اما معنای جمله دارند. چون فعل ندارند، در ظاهر جمله نیستند ولی چون معنای جمله را می‌رسانند، در حکم جمله هستند؛ به همین سبب به آنها «شبه‌جمله» گفته شده است.

بیشتر کتاب‌های دستوری به اختصار موضوع اصوات را بیان کرده‌اند و فقط چند دستور که با عنوان شبه‌جمله موضوع را ذکر کرده‌اند، قدری بیشتر به انواع آن پرداخته‌اند. اگر دستور پنج استاد را به عنوان نخستین متن در حوزه دستور زبان، در آغاز قرن حاضر در نظر بگیریم، در فصل نهم با عنوان «اصوات» به کوتاهی این موضوع مطرح شده و آمده است: «اصوات کلماتی هستند که در معنی آفرین و تحسین و شگفتی و ندا و بیم و آگاهی و تنبیه و تحذیر و همانندهای آنها گفته می‌شوند و هر گاه به معنی فعل باشند، همچون افعال دارای مفعول و متمم می‌شوند» (بهار و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۷۵). سپس چند مثال می‌آورند. شریعت نیز در مبحثی کوتاه با عنوان «اصوات یا شبه‌جمله» درباره آن می‌نویسد: «شبه‌جمله کلمه‌ای است ساده یا مرکب که دارای معنی جمله باشد» (شریعت، ۱۳۷۰: ۳۳۱). وی سپس مواردی از کاربرد آنها را مثال می‌زند و نیز برخی ترکیبات عربی و منادا را نیز در این مقوله جای می‌دهد. خیامپور (۱۳۷۳: ۱۰۱) نیز آن را با نام شبه‌جمله و قسمی از کلمه می‌داند که متضمن معنی جمله‌ای باشد. ابوالقاسمی در کتاب دستور تاریخی زبان فارسی در حد یک صفحه سابقه اصوات را در هر سه دوره زبان فارسی بیان کرده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۳۰۲). فرشیدورد در برخی آثار خود از جمله در دو کتاب «جمله و تحول آن در زبان فارسی» (۱۳۷۵) و «دستور مفصل امروز» (۱۳۸۴) درباره اصوات مباحث نسبتاً مفصلی دارد و به برخی از ویژگی‌های آنها می‌پردازد. از دیدگاه وی، شبه‌جمله «کلمه‌ای است که نقش فعل یا جمله را بازی می‌کند بی آن که شکل آنها را داشته باشد» (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۵۱۰). در ترجمه دستور زبان فارسی معاصر این قسم، با عنوان «صوت واره‌ها» به همراه چند نمونه از آنها ذکر شده است (لازار، ۱۳۸۴: ۲۰۵۹). انوری و احمدی گیوی انواع کلمه را هفت قسم می‌شمارند و این نوع را شبه‌جمله می‌نامند و می‌نویسند: «شبه‌جمله کلمه یا گروهی از کلمه‌هاست که غالباً برای بیان حالات عاطفی گوینده به کار

می‌رود» و علت نامگذاری آنها به شبه‌جمله را، این می‌دانند که مفهومی همچون مفهوم جمله کامل دارند (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). در کتابی دیگر با رویکرد زبان‌شناسی، این گروه را در مبحث جمله‌های استثنایی می‌آورند؛ یعنی «هر سخنی که بتواند پیامی کامل را برساند اما فعلی نداشته باشد، جمله استثنایی است؛ این گونه جمله‌ها را در دو دسته شبه‌جمله و صوت می‌توان ساماندهی کرد» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۰). مؤلفان این کتاب صوت را در طبقات کلمه و نیز مقولات نحوی نمی‌شمارند و کاربرد آن را فقط برای بیان حالات روحی و عاطفی می‌دانند (همان: ۲۱). وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۸۶: ۲۸-۲۳) در کتاب دستور زبان فارسی در مبحث ساخت جمله، جمله‌هایی را که بیرون از ساختار نهاد و گزاره هستند و ویژگی‌های متفاوتی دارند جمله‌های استثنایی می‌شمارد و آنها را در چند زیرگروه تقسیم می‌کند که یکی از این زیرگروه‌ها جمله‌های بی‌فعل هستند. وی جمله‌های بی‌فعل را از نظر ساختار از یک جزئی تا سه جزئی می‌داند. قسمی از جمله‌های بی‌فعل جمله‌های یک جزئی هستند که اصوات را نیز دربر می‌گیرند. با ملاحظه نظر این دستور نویسان، می‌بینیم که برخی از آنها شبه‌جمله را عام و شامل اصوات نیز می‌دانند ولی برخی صوت و شبه‌جمله را از یکدیگر جدا دانسته‌اند.

۳. اقسام جمله

اگر زبان را از نظر ساختار و اجزای سازنده آن در نظر بگیریم از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین اجزا به ترتیب عبارتند از: واج، هجا، تکواژ، واژه، گروه و جمله مستقل / کامل. پس جمله، خود بزرگ‌ترین و کامل‌ترین واحد سخن یا زبان است. جمله را از دیدگاه‌های گوناگون می‌توان تقسیم کرد: از نظر داشتن یا نداشتن فعل، از نظر معنا و پیام، معترضه بودن، دستوری و مستقیم یا درهم ریخته بودن. از نظر فعل جمله به دو گره با فعل و بی‌فعل تقسیم می‌شود. اگر ساختار این جمله‌ها را به دو واحد نهاد و گزاره تقسیم کنیم و فعل را مهم‌ترین رکن گزاره بشماریم، به گروه فراوانی از جمله‌های دیگر برمی‌خوریم که این ساختار بویژه فعل را ندارند. جمله‌های بی‌فعل جمله‌هایی هستند که فعل نمی‌گیرند و در گفتار و نوشتار معمول زبان، بدون فعل به کار می‌روند و باید این جملات را از جمله‌هایی

که با قرینه فعلشان حذف می‌شود، جدا دانست. انواع جمله‌های این چینی در شکل‌های گوناگون و فراوان است. پس حذف فعل را برای جمله‌هایی که معمولاً با فعل می‌آیند ولی گاهی به قرینه فعلشان حذف می‌شود، در نظر می‌گیریم. تفاوت شبه‌جمله‌ها و جمله‌های محذوف الفعل با قرینه در این است که برای شبه‌جمله یا نمی‌توانیم فعل ذکر کنیم، یا در عرف و عادت و کاربرد زبان برای آنها فعل ذکر نمی‌کنیم و اساساً یک علت نامگذاری به این عنوان نداشتن فعل ولی شبهه جمله بودن آن است. اصوات اصلاً فعل نمی‌گیرند و گروه فراوانی از انواع شبه‌جمله‌ها نیز بدون فعل کاربرد دارند. برخی از ضرب‌المثل‌ها نیز در گروه شبه‌جمله‌هایی هستند که بدون فعل در زبان به کار می‌روند؛ مانند: هر که بامش بیش، برفش بیشتر؛ این گوی و این میدان؛ از تو به یک اشاره از ما به سر دويدن. در این مثال‌ها فعل به قرینه معنوی و اختصار در کلام، حذف و کم‌کم به یک عادت در زبان تبدیل شده است. گرچه امکان حضور فعل در این گونه از جمله‌ها وجود دارد اما در بسیاری دیگر از شبه‌جمله‌ها، بویژه در اصوات وجود ندارد. حذف فعل در چنین جمله‌هایی بویژه در ضرب‌المثل‌ها، کلام را آهنگین و در نتیجه شنیدنی و موافق طبع می‌سازد و حفظ و یادسپاری آن را آسان‌تر می‌گرداند. لذا در تقسیم بندی جمله‌ها از نظر فعل، جمله یا فعل دارد یا ندارد. جمله‌های بی‌فعل نیز خود به گروه‌ها و انواعی تقسیم می‌شوند.

۳-۱. اقسام جمله‌های بی‌فعل

غیر از جمله‌هایی که با فعل پیام را منتقل می‌کنند و ساده یا مرکب هستند، در زبان فارسی جمله‌های دیگری نیز هستند که بدون فعل می‌آیند و معنی کامل یک جمله را می‌رسانند. برخی این جمله‌ها را جمله‌های استثنائی می‌شمارند (ر.ک: حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۰؛ وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۶: ۲۳). این جمله‌ها از نظر تعداد اجزا از یک تا سه جزء است. بنابراین جمله‌های بی‌فعل عبارتند از:

۳-۱-۱. جمله‌های یک جزئی

این جمله‌ها فقط از یک جزء و نقش دستوری ساخته می‌شوند و مفهومی را می‌رسانند و ممکن است یک واژه یا بیشتر باشند؛ یعنی کلمه یا کلمه‌هایی در جایگاه جمله

هستند. این گونه از کلمات بخشی از شبه‌جمله‌ها هستند. این شبه‌جمله‌ها، اقسام کلمات زیر را شامل می‌شود:

صوت‌ها: صوت کلمه‌ای است که احساسات انسان را در موقعیت‌های مختلف بروز می‌دهد. احساساتی مانند: شادی، درد، خشم، شگفتی، توهین، تحقیر، اعتراض. چون نحوه بیان این الفاظ مانند صوت و آواست، نام آن را صوت گذاشته‌اند و چون این واژه‌ها معنی جمله را دارند اما فعل ندارند به آنها شبه‌جمله گفته‌اند؛ به عنوان مثال: آه یعنی درد می‌کشم؛ آهان یعنی فهمیدم، ادامه بده و... مثال‌های دیگر: آی، به به، وای، هان.

غیر صوت: این‌ها، واژه‌هایی هستند که در زبان معنی دارند و در هر نوع جمله و در نقش‌های گوناگون به کار می‌روند؛ اما وقتی به تنهایی و با لحن و آهنگی خاص بیان می‌شوند، معنی جمله می‌دهند. اسم و صفت از جمله آن‌ها هستند؛ مانند: سلام [یعنی سلام بر شما باد]، عاقل! یعنی ای کسی که عاقل هستی! آفرین، افسوس، عجب، ساکت، برپا، برجا، آزاد، حمله، آتش، آرام، خاموش، خبردار، چشم، حیف، عالی!، دریغ، فریاد، مبادا، ممنون، متشکر.

منادا: منادا نیز جمله یک جزئی است. چه با نشانه ندا بیاید و چه بدون نشانه و فقط با آهنگ ندا؛ زیرا مفهوم جمله و خطاب را در خود دارد: ای خدا! خدا! خدا! دوست من! آی آدم‌ها!

۳-۱-۲. جمله‌های دو جزئی

جمله‌های دو جزئی آنهایی هستند که معمولاً بی فعل بیان می‌شوند اما امکان افزودن فعلی به آن‌ها وجود دارد؛ مانند: عکس برداری ممنوع، خدا نگهدار، شب خوش، سفر بخیر.

چنین جمله‌هایی دو جزء و نقش دستوری دارند ولی معمولاً فعل نمی‌گیرند و حتی برخی از آنها با آوردن فعل نازیبا می‌شوند؛ ولی اگر به آنها فعل بدهیم جمله‌های فعلی سه جزئی می‌شوند. برخی از جمله‌های عاطفی، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات ورزشی، نظامی و مانند آن نیز در این گروه جای می‌گیرند. تعداد این گونه جمله‌ها نسبتاً فراوان است؛ مانند:

توقف ممنوع!، دو دو تا چهارتا! خدا نگهدار! زیارت قبول! شب خوش! شب شما بخیر!
عزت زیاد!

شکلی از جمله‌های بی فعل دو جزئی با ضمیر پرسشی «کو» ساخته می‌شود:
آن مرد کو؟ انسان با انصاف کو؟ دوست کو؟ کیفم کو؟

۳-۱-۳. جمله‌های سه جزئی

سه جزئی گروهی از جمله‌ها هستند که فعل ندارند اما کلمه «یعنی» در میان آن‌ها معنی و حکم فعل دارد و از سه جزء تشکیل می‌شوند؛ مانند: هنر یعنی خلق زیبایی. این جمله معادل است با جمله «هنر، خلق زیبایی است».

در این گونه جمله‌ها کلمه «یعنی» معنی فعل دارد و مانند فعل ربطی بین نهاد و مسند رابطه اسنادی برقرار می‌کند و معمولاً به جای فعل «است» به کار می‌رود و قسمت پس از آن در حکم «مسند» جمله است. نمونه‌های دیگر عبارتند از: زندگی یعنی امید؛ احسان یعنی دیگران را نیز دیدن؛ تقوا یعنی بریدن از هر بدی؛ دریا یعنی وسعت و ظرفیت؛ عشق یعنی از خود گذشتن؛ شهادت یعنی انتخاب مرگ شرافتمندانه.

۳-۱-۴. شبه‌جمله‌های دیگر

برخی از شبه‌جمله‌ها هستند که نمی‌توان آن‌ها را در الگوهای ذکر شده قرار داد. در این شبه‌جمله‌ها فعل وجود ندارد، ولی همه سخن، معنی یک جمله را می‌دهد. شبه‌جمله‌های زیر در این گروه قرار می‌گیرند:

- برخی از شبه‌جمله‌های پرسشی: چه خبر؟ حال شما؟ احوال شریف؟

- برخی از شبه‌جمله‌های تعجبی: چه عجب! چه خطّ زیبایی! چه منظره قشنگی!

عجب هوای خوبی!

- شبه‌جمله‌هایی که با حروف ربط مکرر «چه، نه، یا» می‌آیند: چه علی آقا چه آقا

علی؛ نه به این شوری شور نه به این بی‌نمکی؛ یا مرگ یا آزادی.

علاوه بر این گروه‌ها، شکل‌هایی دیگر از سخن هستند که فعل ندارند و آن‌ها را

شبه‌جمله می‌شماریم که خود انواع دیگری دارد. برخی از ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات

گوناگون نظامی، ورزشی و اجتماعی و برخی ترکیبات، نیز در حوزه شبه‌جمله قرار می‌گیرند؛ مانند: امروز نقد، فردا نسیه؛ پارسال دوست، امسال آشنا؛ روز از نو، روزی از نو؛ از جلو نظام، به چپ چپ؛ به راست راست.

- برخی از گروه‌ها و ترکیب‌ها: به امان خدا؛ شکر خدا؛ دور از جان!

- برخی از اسم فعل‌ها، ترکیب‌ها و عبارات و جمله‌های عربی در فارسی؛ دستور زبان برای هر واژه یا واحد زبانی دیگر که در یک زبان کاربرد دارد، باید طرح توصیفی داشته باشد. بسیاری از کلمات، ترکیبات و جمله‌های عربی در زبان فارسی کاربرد دارند که در واحدهای گوناگون دستوری نامگذاری و توصیف شده‌اند؛ گروهی از آن‌ها شبه‌جمله شمرده می‌شوند؛ مانند: الفرار، الحمدلله، ان شاءالله، بسم‌الله، هیهات.

پس اگر یک ترتیب از کل به جزء را درباره جمله در نظر بگیریم، سیر آن به این شکل است:

جمله، جمله‌های استثنائی، جمله‌های بی‌فعل، شبه‌جمله، اصوات؛ یعنی اصوات خود بخشی از شبه‌جمله‌ها هستند، شبه‌جمله‌ها خود بخشی از جمله‌های بی‌فعل، جمله‌های بی‌فعل در زیر گروه جمله‌های استثنائی و سرانجام این گروه در زیر مجموعه کل جمله قرار می‌گیرند. بنابراین شبه‌جمله‌ها خود از صوت، منادا، اسم، صفت، قید، ضمیر، جمله‌های دو جزئی استثنائی و برخی ترکیبات فارسی و گروهی از کلمات و ترکیب‌ها و جمله‌های عربی تشکیل می‌شود. البته فرشیدورد همه این اقسام را جمله‌های بی‌فعل می‌شمارد (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۷۵: ۱۶۵-۱۴۵) حال آنکه برخی از این‌ها عبارات و جمله‌هایی از زبان عربی هستند که اصولاً نمی‌توانند فعل بگیرند.

۴. شبه‌جمله‌ها از نظر گونه‌های دستوری

با توضیحات داده شده، شبه‌جمله‌ها تنها منحصر به اصوات نیستند بلکه اقسام دیگری از واحدهای سخن نیز شبه‌جمله محسوب می‌شوند. گروهی از شبه‌جمله‌ها فهرست بسته و گروه‌هایی فهرست باز دارند.

شبه‌جمله‌ها به خودی خود بدون در نظر گرفتن مفهوم و پیام آن‌ها، گاه صوت و گاه اسم، قید، صفت، ضمیر و منادا هستند. بجز صوت‌ها، دیگر موارد بین شبه‌جمله و سایر مقوله‌های دستوری ذکر شده مشترکند.

صوت‌ها به خودی خود پیام جمله را در خود دارند و به گونه‌ای بیانگر احساسات و عواطف می‌باشند، ولی دیگر مقوله‌ها غالباً با افزودن فعل یا فعل و جزئی دیگر به یک جمله تبدیل می‌شوند. در مورد اخیر تشخیص شبه‌جمله بودن آنها به نحوه خواندن، تکیه، درنگ و مکث بستگی دارد.

۴-۱. صوت: سخنی است که مانند شبه‌جمله تنها یک بخش دارد و مفهوم کاملی را بیان می‌کند. صوت برای بیان حالات روحی و عاطفی به زبان می‌آید و اغلب معنی قطعی ندارد و معنای آن از موقعیت گوینده و طرز ادای آن شناخته می‌شود (صادقی و ارزنگ، ۱۳۶۵: ۴). واژه‌های زیر صوت هستند:

آخ، آخی، آخیش، آوه، آوخ، آهان، آه، آه آه، آی، های، هی، هی هی، وای، وای، ای، ای وای، واه، ای، هی، واه، واه واه، اه، زه، بخ، بخ، به، به، زهی، خه، خه، خه، خهی، اینت، دِ، وه، وه، وه، هیس، ای، پیف پیف، آها.

۴-۲. اسم: افسوس، مرحبا، سلام، آتش، فریاد، طفلک، درد.

۴-۳. قید: ای کاش، کاش، حاشا، حاشاک! حاشا و کلا، حاش لله.

۴-۴. صفت: آباد، خوش، درست.

۴-۵. ضمیر: کی؟ من؟ تو!

۴-۶. منادا: یاالله، الهی، بجه آتیش پاره، الا ای ترک شیرازی، سعدی!، آقا!، برادر!

۵. شبه‌جمله‌ها از نظر ساختمان

شبه‌جمله‌ها را در شمول گسترده‌شان می‌توان از منظر ساخت به این انواع تقسیم کرد:

۵-۱. ساده: منظور از ساده شبه‌جمله‌ای است که از یک سازه معنی‌دار یعنی یک تکواژ

ساخته شده باشد؛ مانند: ای، احتیاط، آوخ، آهای، آی، های، هلا، افسوس، آوه، واه آخ، دریغ.

۲-۵. مشتق: وقتی که یک عنصر پایه با یک یا چند وند اشتقاقی ترکیب شود، واژه مشتق ساخته می‌شود؛ مانند: بدا، حیفا، خوشا، دردا، شکفتا! طفلک!، طفلکی!، حیوانکی!
(در واژه‌هایی که پسوند «ا» به آن‌ها اضافه شده، پایه کلمه، اسم یا صفت است و با افزودن این پسوند حتماً به صوت و شبه جمله تبدیل می‌شود؛ پس این پسوند در اینجا پسوندی اشتقاقی است).
۳-۵. مرکب: از ترکیب دو یا چند عنصر پایه (تکواژ آزاد) ساخته و ترکیب می‌شود؛ مانند: هی هی، هو هو، آه آه، ای هی، به به، ای عجب، ای کاش، چی چی، ای بابا، پیف پیف.

۴-۵. مشتق - مرکب: واژه‌هایی که هم ویژگی ترکیب دارند و هم اشتقاق، مشتق مرکب هستند؛ مانند: دوباره!، زبان بسته!، مغز خر خورده!
۵-۵. عبارات و گروه‌ها: به امان خدا، به سلامت، در پناه حق، دور از شما!
۶-۵. جمله دو جزئی: همان گونه که قبلاً توضیح داده شد، ساختار این گونه از شبه جمله‌ها از دو نقش و رکن دستوری تشکیل می‌شود که در هر رکن می‌تواند یک واژه یا گروه باشد؛ مانند: خدا نگهدار!، شب خوش!، صبح شما بخیر.
۷-۵. اسم‌ها، ترکیبات و جمله‌های عربی: احسنت، الامان، الفرار، ان شاء الله، بسم الله، ماشاء الله، هیهات، ...

۶. شبه جمله‌های تاکیدی

در بسیاری از موارد صوت‌ها، تأکیدی می‌شوند و صوت مرکب یا گروه صوتی می‌سازند (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۵۲۱). تاکید صوت‌ها به این شکل صورت می‌گیرد:
۱-۶. تکرار صوت: هی هی، آه آه، واه واه، بخ بخ، به به، خه خه، د د د، چی چی، پیف پیف.

۲-۶. با ای: «ای» در این صورت، «ای» صوت نیست و کلمه تفخیم، کثرت و فراوانی است و طبعاً با حرف ندا نیز نباید اشتباه گرفته شود: ای وای، ای هی، ای دریغا، ای واویلتا، ای والله، ای شکفت، ای عجب، ای کاش، ای امان.

۳-۶. با پسوند «ا»: بدا، حیفا، دردا، واحسرتا، خوشا.

بهار در سبک‌شناسی این پسوند را در واژه‌هایی چون دریغا و عجبا، «الف تفخیم و اعجاب» می‌داند و متذکر می‌شود که این الف ندا نیست (ر.ک: بهار، ۱۳۷۰: ۴۰۸). در واقع ایشان شکل نوشتاری این مصوت را در نظر گرفته که آن را الف می‌خواند.

۶-۴. با تکیه

صوت‌ها با واحدهای زیر زنجیری زبان همراه هستند؛ امتداد و کشش، معنی صوت‌ها را عوض نمی‌کند اما آنها را مؤکد می‌گرداند و بر فراوانی، شدت و عمق تأثیر موضوع مورد بیان می‌افزاید. یکی از واحدهای زیرزنجیری سخن تکیه است که تفاوت جایگاه آن در کلمات، نوع صرفی و تأکید معنایی آن را مشخص می‌کند. «تکیه از نظر تولید، از ترکیب مختصه‌های تغییر در فشار هوا، اختلاف در درجهٔ زیرویمی و تفاوت در کشش واکه‌ای حاصل می‌شود و از نظر شنیداری به رسایی تعبیر می‌شود» (حق شناس، ۱۳۷۱: ۱۲۲).

تکیه از نظر مقدار و کمیت انواعی دارد که بسیاری از اصوات تکیهٔ تأکیدی دارند. «این نوع تکیه نسبت به سایر انواع تکیه، در یک زنجیرهٔ آوایی معین از حداکثر فشار هوا، تغییرات زیرویمی و کشش واکه‌ای ساخته می‌شود و هجای تکیه بر تأکیدی رساتر از همهٔ هجاهای دیگر آن زنجیره شنیده می‌شود» (همان: ۱۲۲).

تکیه در اصوات اغلب پیش از هجای آخر است؛ مانند: آفرین که تکیه بر هجای نخست یعنی «آ» قرار دارد. البته اگر صوتی خود یک هجا داشته باشد، کُل آن هجا تکیه‌بر است؛ مانند: به! وه! در گروهی از شبه‌جمله‌ها که بیشتر غیر صوت هستند تکیه بر هجای پایانی نیز واقع می‌شود؛ مانند افسوس! دریغ!

پس یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأکید و برجستگی اصوات و دیگر شبه‌جمله‌ها، تکیه است؛ زیرا «تکیه وسیله‌ای است که واژه را در جمله برجسته می‌سازد. تکیه معمولاً مستلزم وقوع همزمان تغییر درجهٔ زیرویمی و تغییر دیرش (امتداد) و شدت روی هجای مناسب واژهٔ تکیه دار است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۲۰).

۷. خاستگاه

شبه‌جمله‌ها را از این نظر به دو گروه کلی می‌توان تقسیم کرد: فارسی و غیر فارسی. پس از صوت‌ها و شبه‌جمله‌های فارسی، بیشترین اصوات و شبه‌جمله‌ها آنهایی هستند که از زبان عربی به فارسی وارد شده‌اند. تعدادی نیز از زبان‌های فرنگی در زبان فارسی دیده می‌شود. از زبان انگلیسی، بیشتر واژه‌های ورزشی در نقش صوت هستند: استپ، اوت، پناستی، گل، هند. از همین زبان عبارت «گودبای» نیز در فارسی گاهی کاربرد دارد. از زبان فرانسه واژه‌های آلو، براوو، مرسی و هورا که بیشتر کارکرد عاطفی دارند، در فارسی کاربرد دارد. ضرب‌المثل «بیله دیگ بیله چغندر» از زبان ترکی در فارسی کاربرد دارد و در عبارت‌های «أقر / أقر بخیر» و «ددم وای» نیز واژه‌های أقر و ددم ترکی است.

۸. وابسته‌های شبه‌جمله

شبه‌جمله‌ها چون نقش فعل و جمله را ایفا می‌کنند، برخی وابسته‌ها را نیز می‌گیرند. اصوات و شبه‌جمله‌ها صفت، قید، متمم و جمله یا جمله‌واره پیرو می‌گیرند؛ وابسته صفت مانند: صد درود، هزار آفرین، هزاران سلام، چه باغی!، عجب آدمی!؛ وابسته قید مانند: بسیار سپاس!، خیلی ممنون!؛ وابسته متمم مانند: آه از جور زمان، فغان از بی‌دردی، نفرین بر ظالمان، لعنت بر شیطان و وابسته جمله‌واره مانند: حیف که دستم به او نمی‌رسد، افسوس که نامه جوانی طی شد و... .

از ترکیب شبه‌جمله و جمله فعل‌دار ساختار فراوانی از جمله مرکب ساخته می‌شود که مهر آوران (۱۳۹۴) در مقاله «الگوی شناور در ساخت جمله‌های مرکب با توجه به زمان کاربرد افعال» بدان پرداخته‌است.

۹. شناخت شبه‌جمله

شبه‌جمله‌ها بهترین ابزار زبانی برای تأکید و ایجاز و اختصار در سخن و به یادسپاری برخی از کنایات و امثال هستند. گاهی دو یا چند جمله را می‌توان با یک صوت / شبه‌جمله

بهتر ادا کرد؛ مانند: دهه! که هم تعجب و هم اعتراض و هم خشم و ناخرسندی را با خود دارد و به جای چند جمله که آن عواطف را بیان کند، همین صوت همه آنها را ادا می‌کند. در بررسی شبه‌جمله‌ها به این راه کارها دقت شده است:

۹-۱. شبه‌جمله‌ها زمانی شبه‌جمله‌اند که فعل در آنها حذف شده باشد؛ بنابراین در عباراتی که فعل وجود دارد یا برخی از فعل‌ها که جمله وابسته توضیحی می‌گیرند، نباید آنها را صوت یا شبه‌جمله نامید؛ چون اساساً شبه‌جمله فعل ندارد و گرنه جمله است؛ مانند: دست مریزادا!، زنده باد، نکند، هرچه بادا باد.

۹-۲. «صوت‌ها چون با اسم یا صفت یا قید مشترکند، شناسه و نشانه خاصی ندارند و تنها آنها را از تکیه و معنی و آهنگ کلام و نقشی که به عنوان جمله یا فعل بازی می‌کنند می‌توان شناخت» (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۵۱۱).

۹-۳. جایگاه تکیه در شبه‌جمله‌ها و بویژه اصوات متغیر است:

«از اصوات تعجیبی تکیه عجا و شگفتا روی هجای ماقبل آخر است؛ زیرا پسوند این‌ها تکیه نمی‌گیرد. از اصوات تحسین، آفرین، ماشاءالله، بارک الله، به‌به، مرجبا، خوشا و هورا تکیه آغازی (روی هجای اول) دارند. در خوشا پسوند بی تکیه است و در براوو تکیه روی هجای ماقبل آخر است. از اصوات تحسیر تکیه دریغا، دردا و بدا روی هجای اول است. در اصوات تنبیه و تحذیر تکیه روی هجای اول است: الا، هلا، مبادا، زنهار. در این اصوات نیز تکیه روی هجای اول است: حاشا، یالا، مرسی» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۳۹).

تکیه در زبان فارسی در تمایزهای گوناگون، نقشی بسیار مهم دارد (همان: ۷۰-۶۰). در نقش تمایز دهندگی، اسم را از صوت متمایز می‌کند؛ مانند: آفرین که هجای پایانی تکیه دارد و اسم معنی است و آفرین که هجای نخست تکیه دارد و شبه‌جمله است. همچنین اگر تکیه اسم را همراه با تغییر آهنگ به هجای اول منتقل کنیم، منادا واقع می‌شود؛ مانند رضا!، سارا!

نقش تأکیدی تکیه پر کاربرد است و در نقش عاطفی نیز با انتقال تکیه همراه با تغییر آهنگ معنی سرزنش و تعجب را ادا می‌کند؛ مانند بله! نخیر!

۹-۴. در برخی موارد تشخیص شبه‌جمله‌ها بسیار دشوار است. گاه مرز جمله و قید با شبه‌جمله درهم می‌آمیزد؛ بسیاری از شبه‌جمله‌ها با قیدهای گوناگون مشترک است که از آهنگ و جایگاه آن در جمله باید تشخیص بدهیم:

۹-۴-۱. قید به‌تنهایی کاربرد ندارد و به همراه جمله یا بخشی از جمله می‌آید تا آن را به مفهومی مقید کند. به عبارت دیگر باید جمله یا گروهی از کلمات دیگر موجود باشند تا قید آنها را مقید کند. قید استقلال کاربرد و خود به‌تنهایی معنی جمله ندارد ولی شبه‌جمله خود جای یک جمله است، به‌تنهایی کاربرد و معنی و مفهوم جمله را دارد.

۹-۴-۲. قید را در بسیاری از جمله‌ها می‌توان حذف کرد ولی شبه‌جمله خود جای یک جمله آمده است.

۹-۴-۳. نکته دیگر اینکه برخی از کلمات همیشه صوت و در نتیجه شبه‌جمله هستند. ۹-۴-۴. شبه‌جمله را با حروف ربط وابستگی می‌توان به جمله‌ای دیگر پیوند داد و جمله مرکب ساخت؛ مانند: افسوس که نامه جوانی طی شد. حیف که دیگر او را ندیدیم. حال آنکه قید نه اضافه می‌شود و نه با حرف ربط به جمله‌ای دیگر پیوند می‌خورد.

۹-۵. تفاوت صوت و نام آوا: با توجه به همانندی نام، ممکن است صوت با اسم صوت اشتباه شود. اما صوت با نام آوا (اسم صوت) تفاوت دارد. نام آوا اسمی است که بر صداهای طبیعی، صدای جانوران و حیوانات، صدای اشیاء و برخی صداهای انسان گذاشته شده است. در واقع ما آن صدایی را که می‌شنویم نامگذاری می‌کنیم و آن صدا هیچ معنی ندارد و فقط نوعی صداست؛ مانند: خِش خِش، شُر شُر، میو میو، خُر خُر، بع بع، ماع ماع. اما صوت (شبه‌جمله) صدایی است که فقط از زبان انسان شنیده می‌شود، معنی دارد و جای یک جمله است.

پس در مجموع، شبه‌جمله‌ها نشانه خاصی ندارند و از طریق تکیه، معنی و آهنگ کلام باید آنها را از دیگر اقسام کلمه بازشناخت. صوت‌ها محدود اما دیگر شبه‌جمله‌ها نامحدود است.

۱۰. تقسیم‌بندی معنایی

شبه‌جمله‌ها معانی گوناگون، نزدیک به هم و گاهی متداخل دارند. مثلاً انکار و تایید و

تصدیق و تأسف معمولاً با تأکید همراه هستند. معنای دقیق شبه‌جمله‌ها بویژه صوت‌ها بیشتر در متن، محیط، وضعیت گوینده و مخاطب و هنگام بیان آن‌ها آشکار می‌شود. پس بیان مفهوم شبه‌جمله خارج از جمله گاه دشوار و گاه نادرست است. از سویی دیگر بسیاری از شبه‌جمله‌ها تنها بر یک معنی دلالت نمی‌کنند بلکه با تغییر لحن، آهنگ و تکیه از یک حوزه معنایی به معنای دیگر جابه‌جا می‌شوند؛ مثلاً «جانم» با یک لحن خاص رضایت و شادی و خشنودی را می‌رساند؛ با آهنگ ندا منادا واقع می‌شود و با لحن پرسش معنی دوباره پرسیدن و تکرار کلام را می‌دهد و حتی با تغییر لحن در معنی تهدید و انکار نیز کاربرد دارد. برخی از شبه‌جمله‌ها کنایه‌های معروفند که ممکن است به شکل منادا یا بیان همراه با خشم، اعتراض، ناخرسندی و حتی تحسین همراه باشند؛ مانند: آب زیر کاه!، شیطون!

با توجه به این نکته، شبه‌جمله‌ها در دسته‌های زیر تقسیم بندی می‌شود. در تقسیم بندی معنایی، شبه‌جمله‌هایی که از گذشته بوده و امروز هم کاربرد دارند در کنار شبه‌جمله‌های جدید با عنوان «امروزی» ذکر شده و شبه‌جمله‌های قدیمی با عنوان «گذشته» در دسته‌ای دیگر قرار داده و بدین شکل از یکدیگر جدا شده‌اند.

۱-۱۰. آرزو و امید

این شبه‌جمله‌ها بیان‌کننده هر نوع آرزو و امیدواری هستند و معمولاً آرزو و امید برای آینده است اما واژه‌هایی نیز هستند که آرزوی برآورده نشده‌ای در گذشته را نشان می‌دهند که طبعاً با نوعی حسرت همراه است؛ مانند کاش و کاشکی.

امروزی: امید!، ای کاش!، ان شاء الله!، باذن الله!، به امید دیدار!، کاش! کاشکی.

گذشته: آرجو!، بوک!، بوکه، فی امان الله!، کاجی!، کاجکی!، کاج!، کاشک!، هی!، یالیت.

۱-۲. آگاهی و هشدار (تنبیه و تحذیر)

برخی از صوت‌ها و شبه‌جمله‌ها هنگام بیان، مخاطب را به امری آگاهی می‌دهند، یا به او در انجام دادن یا انجام ندادن کار و امری هشدار می‌دهند. شبه‌جمله‌های این گروه عبارتند از:

امروزی: آ، آتش آتش!، توقف ممنوع!، خطرا، وای به ...!، وای به حال ...!، هشدار!
 گذشته: آلا، الله الله!، الحذار!، الحذر!، الصّلا!، ایها الناس!، بهوش!، حذرا، زنهارا،
 زینهارا، ویحک!، هلا، هان، هین!
 الاحرف تنبیه عربی است که در فارسی گاهی با تا و گاهی با ای همراه می‌شود»
 (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۱۲۷).

۱۰-۳. احترام و اطاعت

علاوه بر فرمانبری عملی و برخی نشانه‌های رفتاری، واژه‌هایی نیز هستند که اطاعت و احترام گوینده را نسبت به کسی دیگر بویژه مخاطب نشان می‌دهند.
 امروزی: بلانسیب!، بله قربان!، به چشم!، به روی چشم!، چشم!، چه قابل شما!، دور از شما!، شرمنده!، قربانت / شما!، قربان قدمت!، معذرت!
 گذشته: سمعاً و طاعتاً، لیکک.

۱۰-۴. اعتراض و مخالفت

ما در اعتراض به سخن، رفتار یا رویدادی واژه‌هایی را بر زبان می‌آوریم که این حالات را بیان می‌کنند یا نشان می‌دهند؛ یا ممکن است اعتراض نباشد و نوعی مخالفت را نشان بدهد.
 امروزی: اا، آه، اوهوا، اِهه، اِه، اوا، بَهّه، بی خودا، بیلاخ!، تو دیگه چرا؟!، د، دهه،
 زگی، دگی!، دکیسه!، فضول!
 گذشته: -

۱۰-۵. اعلام دوری از کاری

منظور از این عنوان، کلمات و عباراتی است که گوینده، خود را از انجام دادن یا انتساب به کار یا چیزی دور می‌دارد و آن‌ها را ناخوش می‌شمارد.
 امروزی: استغفرالله!، العیاذ بالله!، پناه بر خدا!، زبانم لال!، سبحان الله!، معاذالله!، نعوذ بالله!
 گذشته: عیاذاً بالله!

۱۰-۶. امر و فرمان

معمولاً دستور و فرمان را با فعل امر بیان می‌کنیم اما بسیاری از واژه‌ها (مانند اسم، صفت و قید) و برخی ترکیبات و عبارات با آهنگ و لحن ویژه‌ای، معنی امر و فرمان می‌دهند. فهرست این نوع شبه‌جمله باز و پربسامد است.

امروزی: آتش! آرام! احتیاط! از نو! الفاتحه! ایست! برپا! برجا! بس! بسم الله! به پیش! به راست راست! به چپ چپ! بی حرف! بیرون! بی معطلی! تکبیر! تند! تندتر! حمله! خاموش! دست‌ها بالا! دوباره! زود! زودتر! ساکت! سریع! سریعاً! صلوات! فضولی موقوف! فوری / فوراً! هیس! یالآ! یواش! گذشته: العجل، الفرار! دورا، ده، هات!

۱۰-۷. انکار، مخالفت و نفی

انکار و مخالفت، معمولاً با نفی همراه است. بسیاری از واژه‌هایی که این موضوع را نشان می‌دهند با تأکید نیز همراه هستند.

امروزی: ابد! ابد! ارواح بابات / ننت! اصلاً! اصلاً و ابد! به هیچ وجه! بی خود! خیر! عمر! مطلقاً! نُج! نه! نخیر! نه والله! هرگز! هیچ! هیهات! گذشته: حاشا! حاشاک! حاش لله! حاشا و کلاً! حاشا و لله! لا أُسَلِّم! معاذ الله!

۱۰-۸. برقراری و ادامه ارتباط

برخی از واژه‌ها بیشتر کاربرد ارتباطی زبان و سخن را نشان می‌دهند؛ یعنی برای آغاز یا ادامه ارتباط و تداوم سخن گفتن مخاطب به کار می‌بریم. این نوع کارکرد شبه‌جمله بیشتر امروزی است؛ مانند: آلو! خُب! دیگه! سلام! گوش! منظور؟

۱۰-۹. بی‌اعتنایی و بی‌اهمیتی

واژه‌ها و ترکیباتی هستند که نشان دهنده موضع بی‌اعتنایی گوینده نسبت به موضوعی یا بی‌اهمیت بودن آن نزد مخاطب است و معمولاً مخاطب سخن در پاسخ، این واژه‌ها را به کار می‌برد.

امروزی: به جهنم!، به درک!، به من چه!، بی خیال!، بی خیالش!، صد سال سیاه!، غمت کم!، ولش!
گذشته: به درک اسفل!

۱۰-۱۰. بیان خبر و توجه دادن

این گروه شبه‌جمله‌هایی هستند که توجه شنونده را برای بیان خبری یا اجازه برای گفتن یا ادامه‌ی مطلبی به خود جلب می‌کنند. بسیاری از منادها را نیز می‌توان تمهیدی برای این موضوع در نظر گرفت. همچنین برخی از واژگان انگلیسی که بیشتر در گزارش‌های ورزشی گفته می‌شود، در این دسته معنایی قرار می‌گیرند.
امروزی: آفساید!، اجازه!، انکشف!، اوت!، پنالتی!، تمام!، توجه!، توجه‌توجه!، خطا!، خطر! راستی!، گرُز!، کیش! (در شطرنج)، گُل!، هُند!، یک لحظه!

۱۰-۱۱. بیزاری و تنفر

یکی از عواطف انسان، حس بیزاری و نفرت از کسی یا شنیدن سخن نامطلوبی یا دیدن چیزی است. معمولاً صوت‌ها و واژه‌های کوتاه این کنش یا واکنش عاطفی را نشان می‌دهند.
امروزی: آخ که!، آخ!، اخمو!، آه!، آه آه آه!، آف!، آگه!، به جهنم!، به درک!، بهتر!، بی مزه!، پُر روا!، مرده سگ!، مرده شورا!، هُپ! (نشانه سکوت گوینده).
گذشته: اف لک!، به درک اسفل!، نفرت!

۱۰-۱۲. پرسش

برخی از واژه‌ها با حذف تمام عناصر دیگر سخن و با لحن و آهنگ پرسش معنی یک جمله پرسشی می‌دهند. این‌ها را شبه‌جمله‌های پرسش می‌نامیم. ضمائر و قیده‌های پرسش هنگامی که به تنهایی و با تکیه خاص به کار می‌روند شبه جمله پرسش هستند. این شبه‌جمله‌ها ممکن است با تعجب، سرزنش و یا تحقیر نیز همراه باشند.

امروزی: به من چه!، به تو چه!، به چه جهت؟ به چه علت؟، به چه دلیل؟، تورو سَنَنه؟، پس چی؟ تو؟ جان؟، جانم؟ چرا؟، چطور؟ چطور مگه؟ چه؟، چه کشکی، چه پشمی؟ چی؟، چی چی؟، کجا؟ کشک چی، پشم چی؟ که چه/چی؟ کی؟ کی؟ مثل چی؟ من؟، هان؟

گذشته: چه سبب؟

۱۰-۱۳. تأسف و حسرت

این نوع از شبه‌جمله‌ها بیان‌کننده حسرت از امری یا بیان افسوس و تأسف گوینده از وقوع اتفاق یا موضوعی است. بیشتر شبه‌جمله‌های این گروه، صوت‌ها هستند. امروز: آخ!، آخی!، آخیش!، آه!، آه!، آه!، افسوس!، اوخی!، اوخیش!، ای امان!، ای دل غافل!، ای وای!، حیف!، دریغ!، داد!، داد و بیداد!، ددم وای!، فریادا!، وای!، گذشته: آوخ!، آوه!، آی دریغا!، ای دریغ!، ای دریغا!، اندوه!، بد!، حسرتا!، زارا!، ندامتا!، واسفا!، واحرب!، واحزنا!، واحزن!، واحسرتا!، واخجلتاه!، واغوثاه!، واطاقتاه!، وامصیبتا!، وانفساه!، واوایل!، واولیلا!

۱۰-۱۴. تأکید و اطمینان و ایجاب

این معانی در پیوند با یکدیگر هستند؛ بنابراین شبه‌جمله‌های این گروه، واژه‌ها یا ترکیب‌هایی هستند که همه این معانی را به گونه‌ای بازتاب می‌دهند. امروز: آره!، البته!، الحق!، بعله!، بله!، بلاشک!، بی شوخی!، بی گمان!، جد!، چرا که نه!، حتماً!، حُکماً!، لابد!، مسلماً!، مطمئناً!، هرگز!، یقیناً!، گذشته: آری!، الحکم لله!، بلی!، بناچار!، سلماً!، ناچار!، لاجرم!، لامحال!، بالاتر دید!.

۱۰-۱۵. تحسین و تشویق

با بیان این نوع از شبه‌جمله‌ها کسی را در انجام کاری یا بیان سخنی خوب و مانند آن‌ها تحسین و تشویق می‌کنیم.

امروزی: آفرین!، احسنت!، ای والله!، ای ول!، بارک الله!، بسیار خوب!، به به!،
جانمی!، چه خوب!، خوش به حالت/ش...!، دمت گرم!، عالی!، ماشاءالله!، مرجبا!، ناز
نفس!،

گذشته: اینت!، بخ!، بخ بخ!، حَیْدا، خَه!، خه خه!، خهی!، زه!، زه‌زه!، زهی!، فه!،
فهی!، نیکا!،

۱۰-۱۶. ترحم و دلسوزی

یکی دیگر از عواطف انسان، شفقت، مهربانی، اظهار ترحم و دلسوزی نسبت به دیگر
انسان‌ها یا حیوانات است. گروهی از واژه‌ها که بیشتر صفات هستند با تغییر لحن و تکیه این
موضوع را نشان می‌دهند.

امروزی: آخی!، بدبخت!، بیچاره!، خدایا مرز!، زبان بسته!، حیون/حیوان!،
حیونکی/حیوانکی!، طفلک!، طفلکی!، مادر مرده!

۱۰-۱۷. تردید و تقریب

تردید و شک گوینده در درستی یا کیفیت موضوعی و نیز بیان تقریبی مطلب، چیزی
یا اندازه‌ای را با گروهی دیگر از شبه‌جمله‌ها نشان می‌دهیم.

امروزی: احياناً!، ای!، ایه!، به گمانم!، به نظرم!، تا حدی!، تقریباً، چه بسا!، حالا!،
شاید!، کمی!، گویا!، مثل اینکه!

گذشته: الله أعلم!، گویی!، مگر!، پنداری!

۱۰-۱۸. تعجب و شگفتی و حیرت

یکی از واکنش‌های انسان نسبت به بروز رویداد یا شنیدن سخن یا دیدن حالت یا
منظره‌ای، شگفتی و حیرت است. این تعجب ممکن است با انکار و تحقیر و تخفیف نیز
همراه باشد. برای بیان این نوع واکنش گروهی از واژه‌ها و شبه‌جمله‌ها با فهرستی باز و
نامحدود وجود دارند؛ بویژه با صفات تعجیبی «چه و عجب» می‌توان بسیاری از ترکیبات
ساخت که این نوع از واکنش انسان را نشان بدهد؛ از جمله:

امروزی: الله اکبر، او، اوه، او، او، او، او، ای بابا، به، به، تو هم، چه حرف‌ها، چه عجب، چه سخن نیکویی، چه مزخرفاتی، خاک عالم، سیاحت، شگفتا، عجب، عجا، عجب آدمی، که اینطور، واقعاً که، وا، وا، وا، وا، وای، وای، وای، وای، وای، هی هی، هی ته، گذشته: العجب، ای شگفت، ای شگفتا، ای عجب، تبارک الله، زهی، الله درُّ قائل، یا للعجب، وخ،

۱۰-۱۹. تصدیق و تأیید

صوت‌ها، صفت‌ها و واژه‌هایی دیگر هستند که برای تأکید و تصدیق سخن، کار یا موضوعی به کار می‌روند. در این زمینه به نظر می‌رسد که واژه‌هایی جدید در دوره‌های متأخر ساخته شده و جای واژه‌های کهن را گرفته است.
امروزی: آری، آره، آها، آهان، اوکی، اوهوم، بله، چه خوب، چه عالی، خیلی خوب، درست، ها!
گذشته: ای، اینت، بلی، زه، زهی، خهی، زه‌زاه، فری، فریش!

۱۰-۲۰. خشم و ناخرسندی

گرچه موضوعاتی مثل اعتراض، بیزاری و تنفر هم، با خشم و ناخرسندی همراه هستند، اما برخی صوت‌ها این احساس انسانی را بیشتر بازتاب می‌دهند؛ به همین سبب آن‌ها را در دسته‌ای جدا قرار داده‌ایم.
امروزی: آخ که، آکه، ایش / هیش، پُر روا، پیف، پیف پیف، دا، دِدا، دهه، کلک، لاله الاالله، مسخره، نفهم، واخ، وای از دستِ ...!

۱۰-۲۱. درد و اندوه

هنگامی که درد می‌کشیم یا از مصیبت و ماتمی یا شنیدن خبری ناخوشایند اظهار اندوه می‌کنیم، اغلب از صوت‌ها و گاهی برخی از عبارات عربی استفاده می‌کنیم.
امروزی: آخ، آه، اوخ، اوف، ای وای، دادا، دادویدادا، وامصیبت، واویلا، وای، گذشته: ای واویلتا، دردا، دردا، وامصیبتا، واویلتا!

۱۰-۲۲. دعا

از موضوعاتی که در عباراتی کوتاه، برخی جمله‌های عربی و اغلب با جمله‌های بی‌فعل دو جزئی بیان می‌کنیم دعا و آرزوی سلامت برای مخاطب یا دیگران است. امروزی: آمین!، اُقر/أغر بخیر!، بالله التوفیق!، به امان خدا!، به سلامت!، بلا دور!، جزاک الله!، چشم بد دور!، خدا قوت!، خدا نگهدار/حافظ، رحمت الله علیه!، شب خوش!، شب بخیر! سفر بخیر!، عزت زیاد!، خیر پیش!، دور از جان!، نوش جان! گذشته: العفو!، بنام ایزد!، تبارک الله!، رحمة الله!، عفا الله!، عفاک الله!، لوحش الله!

۱۰-۲۳. رماندن یا فراخواندن انسان، حیوانات و پرندگان

برخی از صوت‌ها برای صدا کردن حیوانات و پرندگان یا رماندن آنهاست. اندکی نیز برای ترساندن یا رماندن انسان کاربرد دارد. طبعاً صدا زدن انسان با ندا صورت می‌گیرد: پخ!، پخی!، پرا!، پیش!، پیش پیش!، چخ!، چخه!، کیش!، هُش!، هین!

۱۰-۲۴. سپاس و رضایتمندی

اظهار سپاس از پروردگار یا سپاسگزاری از دیگران و نیز ابراز خرسندی، رضایت و خشنودی از کسی یا کاری در این موضوع قرار می‌گیرد. امروزی: آمین!، بحمدالله!، خوش به حالت!، درود!، سپاس!، سپاسگزار!، شکر!، شکر خدا!، متشکر!، ممنون! گذشته: آباد!، آجرک الله!، الحمد!، أَلْمِنه لله!، حَبْدًا، حمدًا لله، خرّما!، حنک!، خوش!، خوشا!، شکر الله!

۱۰-۲۵. سرزنش، توهین و طعنه

سرزنش و توبیخ در بسیاری از اوقات ممکن است با استهزاء و تحقیر مخاطب یا کسی که درباره او سخن گفته می‌شود، همراه باشد. در این گروه بیشتر واژه‌ها از زبان محاوره و عامیانه است. بسیاری از این واژه‌ها برای توهین و سبک شمردن و سرکوفت مخاطب کاربرد دارد. البته بسیاری از واژه‌ها دشنام تند هستند که در اینجا ذکر نمی‌شوند.

امروزی: آتش پاره، آی کیوا، اُسکول، اُسمول، الاغ، بدا به حالت، بد مروّت، بی‌پیرا، بی‌عرضه، بی‌لیاقت، چه غلط‌ها، حیف نان، حیوون، خاک بر سر، خرا، خسیس، خفه، خیر سرش، دهاتی، درد، دست خوش، ظالم، عوضی، فضولی موقوف، فوتینا، کله شق، کنه، کودن، گناگول، گاو، گدا، گداگشنه، لادین، لاکردار، لا مذهب (مَسَب/مَصَب)، لامروّت، لجباز، محضِ اِرا، مردیکه، مرض، مغز خر خورده، ناجنس، ناحسابی، نالایق، نغله، نکبت، نمک به حرام، وراج، ورپریده، وقت گل نی، هالو، هرزه، هرّی، هم چرا، هوهو، یارو، گذشته: ای فسرده! و ...

۱۰-۲۶. سوگند

کارکرد قسم در گفتار و محاورات روزانه بسیار است اما مجموعه واژگان یا گروه‌هایی که سوگند خوردن را نشان می‌دهند، چندان گسترده نیست. البته غیر از نام خدا، نام هر پیامبر و امام یا هر شخص دیگر را می‌توان پس از «به» قسم آورد اما ساختار شبه جمله سوگند یکسان است.

امروزی: بالله، به خدا، به پیر به پیغمبر، به جان خودم، به سر مبارک، به شرافتم قسم، به مرگ خودم، تو رو خدا، مرگ...!، والّا، والله، گذشته: تالله!

۱۰-۲۷. شادی و هیجان

با توجه به شبه‌جمله‌های بیان‌کننده شادی و هیجان، به نظر می‌رسد که واژه‌ها و شبه‌جمله‌های امروزی بیشتر از واژه‌های گذشته کاربرد دارند.

امروزی: آخ جون، اهلا، به سلامتی، چشمت روشن، خوشا، مژده، گذشته: اهلاً و سهلاً، ای خوش، ای خوشا، خرّم، خرّما، خُنک، واشوقا، واطرب، وافرحتاه،

۱۰-۲۸. ضرب‌المثل‌ها

بسیاری از ضرب‌المثل‌ها بیانگر اندیشه، تجربه، حکمت یا عواطف هستند اما چون

بدون فعل به کار می‌روند، از نظر دستوری در گروه جمله‌های بی‌فعل و مشخصاً شبه‌جمله‌ها قرار می‌گیرند؛ مانند: آش نخورده و دهان سوخته؛ از تو به یک اشاره از ما به سر دویدن؛ این گوی و این میدان؛ بیله دیگک، بیله چغندر؛ پارسال دوست، امسال آشنا؛ روز از نو روزی از نو؛ دارندگی و برازندگی؛ دم خروس و قسم حضرت عباس؛ سال به سال، دریغ از پارسال؛ کبوتر با کبوتر، باز با باز؛ مرگ یک بار، شیون یک بار؛ نه به آن شوری شور، نه به این بی‌نمکی؛ وای از مرگ، وای از پس از مرگ؛ هر که بامش بیش، برفش بیشتر.

۱۰-۲۹. فریادخواهی و کمک

معمولاً این موضوع با ندا و خطاب بیان می‌شود؛ زیرا انسان کسی یا جمعی را برای فریادخواهی فرامی‌خواند و از او استمداد و طلب کمک و دادخواهی می‌کند.

امروزی: امان، علی، فریادا، کمک!، یا ضامن آهو!

گذشته: الامان، الغیاث، وافریدا!

۱۰-۳۰. ندا و خطاب

به اسمی که مورد ندا و خطاب قرار می‌گیرد منادا می‌گوییم. ندا یا با حروف و نشانه‌های نداست؛ مانند: ای علی! و یا با آهنگ نداست؛ مانند: پدر! ما برای مقاصد گوناگون کسی یا چیزی را صدا می‌زنیم. آگاه کردن، جلب، هشدار، سرزنش، فریادخواهی و مانند آن‌ها. برخی از نداها با تحقیر و تخفیف نیز همراه است. شبه جمله ندا فهرستی کاملاً باز و نامحدود دارد؛ چون هر شخص و حتی هر پدیده طبیعی را می‌توان منادا قرار داد. بسیاری از اسم‌ها، صفات و ترکیبات بدون حرف ندا، منادا واقع می‌شوند و اغلب در معنی منفی به کار می‌روند.

امروزی: آی، آهای، الهی، ای، ای هی، اوهوی، عمرم، های، های های! هی، یا الله!

گذشته: الا، الا ای، هان، هین، هلا!

صفات و اسم‌ها: آپارتی/هاپارتی، آشغال، آدم، آدم حسابی، آلدنگک، اُمُل، انگل،

بیچه، بدجنس، بی‌بته، بی‌پدر، بی‌سواد، بی‌فکر، بی‌عرضه، بی‌عقل، بی‌مخ، بی‌معرفت، تحفه، توله سگ، جان، جانم! جوجه، حسود، خره، خرفت، خوشگل، خوشمزه، دیوانه، روباه، زالو، زبان دراز، زبان نفهم، سلیطه، سوسول، شوت، شیطون، فسقلی، فینگلی، قرتی، قلدر، کودن، کینه‌ای، گشنه، لعنتی، لوس، نُر، لوس نُر، نامرد، نیم و جبی، هلو!

۱۰-۳۱. نفرین

برخلاف دعا، نفرین بیان‌کننده انزجار انسان از چیزی یا کسی و درخواست خواری و شکست و مرگ اوست. گرچه برخی از دعاها که در آن عذاب کسی خواسته شده، خود نوعی نفرین محسوب می‌شود، اما شبه‌جمله‌هایی هستند که این واکنش منفی انسان را نسبت به کسی یا چیزی بهتر نشان می‌دهند.

امروزی: به درک، به جهنم، تُف، چشمت/ش کور، خیرش، خیر مرگش، ذلیل شده، زقنبوت، زهر مار، کوفت، کوفت خورده، گردنش/ت، ... خُردا، گور به گوری، گور پدر ...! لعنت! مرگ! نفرت! نفرین! ننگ! نه و نگمه!
گذشته: بدا، آباد الله، تفوا!

نتیجه

جمله در زبان فارسی به دو شاخه با فعل و بی فعل تقسیم می‌شود و هر یک زیرشاخه‌های متعددی دارد. جمله‌های با فعل ساختارهای معین و مشخصی دارند اما جمله‌های بی فعل در گروه‌های گوناگونی تقسیم می‌شوند. گرچه بخشی از این جمله‌ها مانند دو جزئی را می‌توان در ساختار مشخص نهاد و گزاره بی فعل تعیین کرد اما شکل‌های گوناگون دیگری هستند که ساختار معین و محدودی ندارند. گروه فراوانی از جمله‌های بی فعل، شبه جمله‌ها هستند. در واقع شبه جمله واژه، گروه، ترکیب و جمله‌هایی بی فعل است که معنی کامل جمله را دارد؛ از آن رو که فعل ندارد جمله نامیده نشده و از آن رو که معنی جمله دارد، جمله محسوب می‌شود؛ به همین سبب بیشتر دستور نویسان سنتی نام شبه جمله را بر آن گذاشته‌اند. این که این مقوله در صرف است یا در مبحث نحو نیز با توجه به تعریف متفاوت است. برخی از دستورنویسان زبان شناس، به جای این نام از نام «صوت» یا «اصوات» استفاده می‌کنند و آن را نه در مقوله صرف بلکه در مقوله نحو و نوعی جمله استثنائی می‌دانند. در واقع این دسته صوت را جمله می‌شمارند. اما واقعیت آن است که شبه جمله تنها منحصر به صوت‌ها نیست. به طور کلی شبه جمله‌ها یا فارسی هستند یا غیر فارسی. صوت‌ها، بسیاری از اسم‌ها، صفات، ضمائر و قیدها و ترکیبات و گروه‌ها و ضرب‌المثل‌های فارسی با داشتن تکیه و آهنگ خاص شبه جمله هستند. برخی از واژگان ترکی، انگلیسی و فرانسه نیز در زمره شبه جمله‌ها قرار می‌گیرند. اما بسیاری از شبه جمله‌ها را اسم‌ها، افعال، ترکیبات و جمله‌های پر کاربرد عربی در فارسی تشکیل می‌دهند. بنابراین واژه‌های مفرد مثل صوت‌ها و اسم‌ها و صفات و ضمائر را می‌توان در مقوله صرف با معنای جمله در نظر گرفت و گروه‌ها و جمله‌های بی فعل و جمله‌های عربی و ضرب‌المثل‌ها را از مقوله نحو شمرد.

شبه جمله‌ها چون خود در حکم جمله هستند هم کاربرد خبری دارند و هم انشائی؛ در مجموع کارکرد انشائی آنها بیشتر است و در سه قسم امر، پرسش و بیان عواطف بسیار پر کاربرد هستند. اصوات یا شبه جمله‌ها برای بیان عواطف، احساسات، اضطراب، اخبار، ایجاز و مانند این‌ها به کار می‌روند و معانی گوناگونی دارند.

منابع و مأخذ

- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۱). **دستور تاریخی زبان فارسی**. چاپ سوم. تهران: سمت.
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۹۰). **دستور زبان فارسی ۲**. ویرایش چهارم. تهران: فاطمی.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). **فرهنگ سخن**. تهران: سخن.
- بهار محمد تقی. (۱۳۷۰). **سبک شناسی**. جلد اول. تهران: امیرکبیر.
- _____ و دیگران. (۱۳۷۱). **دستور زبان فارسی (پنج استاد)**. تهران: اشراقی.
- حق شناس، علی محمد. (۱۳۷۱). **آواشناسی (فونتیک)**. چاپ سوم. تهران: آگاه.
- _____؛ حسین سامعی؛ مهدی سمائی و علاءالدین طباطبایی. (۱۳۸۷). **دستور زبان فارسی ویژه دوره‌های کاردانی و کارشناسی**. چاپ اول. تهران: انتشارات مدرسه.
- خیامپور، عبدالرسول. (۱۳۷۳). **دستور زبان فارسی**. چاپ نهم. تهران: کتاب فروشی تهران.
- ژمردیان، رضا. (۱۳۷۳). **فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی**. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی.
- سمائی، مهدی. (۱۳۸۲). **فرهنگ لغات زبان مخفی**. چاپ ششم. تهران: مرکز.
- شریعت، محمد جواد. (۱۳۷۰). **دستور زبان فارسی**. چاپ چهارم. تهران: اساطیر.
- صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارژنگ. (۱۳۶۵). **دستور زبان فارسی**. تهران: بهرام.
- فرج‌زاده، آسیه. (۱۳۹۲). «بررسی شبه‌جمله‌ها در کتب دستور زبان فارسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه قم.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۳). **عربی در فارسی**. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۵). **جمله و تحول آن در زبان فارسی**. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۴). **دستور مفصل امروز**. چاپ دوم. تهران: سخن.
- لازار، ژیلبر. (۱۳۸۴). **دستور زبان فارسی معاصر**. ترجمه مهستی بحرینی. چاپ اول. تهران: هرمس.
- مهرآوران، محمود. (۱۳۹۴). «الگوی شناور در ساخت جمله‌های مرکب با توجه به زمان کاربرد افعال». **فنون ادبی**. دوره ۷. شماره ۲. صص: ۸۷-۱۰۸.
- _____ (۱۳۹۶). **سامان سخن**. چاپ سوم. قم: المصطفی.

- میرزائی، افسانه. (۱۳۹۴). «**تحلیل ساختی و کاربردی شبه‌جمله در مثنوی معنوی**». پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه علامه طباطبائی.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۷). **فرهنگ فارسی عامیانه**. چاپ دوم. تهران: نیلوفر.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. (۱۳۸۶). **دستور زبان فارسی ۱**. چاپ دهم. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۷۹). **نوای گفتار در فارسی**. مشهد: دانشگاه فردوسی.

References

- Abolghasemi, M. (2002). *Dastoor-e Tarikhi-ye Zaban-e Farsi*. Tehran: Samt.
- Ahmadi Givi, H. & H. Anvari. (2011). *Dastoor-e Zaban-e Farsi 2*. Tehran: Fatemi.
- Anvari, H. (2002). *Farhang Sokhan*. Tehran: Sokhan.
- Bahar, M.T. & Digaran. (1992). *Dastoor_e Zaban-e Farsi*. (Panj Ostad). Tehran: Eshraghi.
- _____ (1991). *Sabk Shenasi*. Vol. I. 3. Tehran: Amirkabir.
- Farajzadeh, A. (2013). *Barrasi-ye shebhe jomlehha dar Kotobe Dastoore Zabane Farsi*. Payan Nameh-ye Karshenasi-ye Arshad-e Daneshgah-e Qom.
- Farshidvard, Kh. (1993). *Arabi Dar Farsi*. Tehran: Daneshgah-e Tehran.
- _____ (1995). *Jomleh Va tahavvole An Dar Zabane Farsi*. Tehran: Amirkabir.
- _____ (2005). *Dastoor-e Mofassal-e Emrooz*. Tehran: Sokhan.
- Haghshenas, A. M.; H. Samei; M. Samaei & A. Tabatabaei. (2008). *Dastoor-e Zaban-e Farsi*. Tehran: Madreseh.
- _____ (1992). *Avashenasi*. 3th Edition. Tehran: Agah.
- Khayyampoor, A. (1994). *Dastoor-e Zaban-e Farsi*. 9th Edition. Tehran: Ketabforooshi-ye Tehran.
- Lazar, G. (2005). *Dastoor-e Zaban-e Farsi-ye Moa'ser*. Mahasti Bahreini (Trans). Tehran: Hermes.
- Mehrvaran, M. (2015). "Olgooye Shenavar Dar Sakhte Jomlehhaye Morakkab Ba Tavajoh Be Zamane Karborde Afa'l". *Fonoon-e adabi*. Vol. 7. No. 2. pp: 87-108.
- _____ (2017). *Saman-e Sokhan*. 3th Edition. Qom: Al-Mustafa.
- Mirzaei, A. (2015). *Tahlile Sakhti Va Karbordi-ye Shebhe Jomleh Dar Masnavi Ma'navi*. Payan Nameh-ye Karshenasi-ye Arshad-e Daneshgah-e Allameh Tabatabaei.
- Najafi, A. (2008). *Farhange Farsi-ye Amiyaneh*. 2th Edition. Tehran: Niloofar.
- Samaei, M. (2003). *Farhange Loghate Zabane Makhfi*. 6th Edition. Tehran: Markaz.
- Sharia't, M. J. (1991). *Dastoor_e Zaban-e Farsi*. 4th Edition. Tehran: Asatir.
- Sadeghi, A. A. & Gh. Arzhang. (1986). *Dastoor-e Zaban-e Farsi*. Tehran: Bahram.
- Vahidiyan Kamyar, T. & G. Omrani. (2016). *Dastoor-e Zaban-e Farsi 1*. 10th Edition. Tehran: Samt.
- _____ (2000). *Navaye Ghoftar dar Farsi*. Mashhad: Daneshgah-e Ferdowsi.
- Zomorrodian, R. (1994). *Farhange Vazehha-ye Dakhile Euroopaei Dar Farsi*. Mashhad: Astan Quds-e Razavi.